

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در یونگه ولت
نویسنده: آر نولد شولتسل
برگردان: حمید علوی
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۲

با سلام فاشیستی

جنگ علیه یوگسلاوی، افغانستان و عراق، رسانه های المانی را به ارادل و اوباشی تبدیل کرد که اکنون برای تبلیغات
کیف صف کشیده اند



استپان باندررا

صدراعظم المان، اولاف شولز در ۲۴ اگست ۲۰۲۲ در روز ملی اوکراین سخنرانی خود را با اسلاوا اوکراینی! –
شکوه بر اوکراین پایان داد. همانگونه که در ماه جون اینکار را در کیف هم انجام داده بود.
هر دو بار این سلام فاشیستی همراه با این تضمین بود که اسلحه به طور نامحدود به اوکراین ارسال خواهد شد.
او از حمایت و خرسندی والی دست نشانده ایدئولوژیک ایالات متحده امریکا و ناتو در کیف مطمئن بود. منافع مستقیم
امپریالیسم المان در جنگ اوکراین در پس تکرار اوراد و دعاها و رهنمودهای آنها تا حدودی پنهان ماند.
اسلاوا اوکراینی!! نمادی از «نقطه عطف» در رسانه ها است: از ۲۴ فبروری، استانداردهای رفتاری دولت برلین و
رسانه های مرتبط از سوی کیف تعیین می شود.

انحرافات از این رفتارها مورد انتقاد شدید سخنگویان رئیس جمهور اوکراین به رهبری سفیر سابق و فراخوانده شده آندری ملنیک قرار گرفته و تصحیح می شود.

او در برخی مواقع می توانست به طور روزانه در رسانه های المان به نمایندگان جمهوری فدرال المان توهین کند و به الگوی خود استپان باندرا اشاره افتخار آمیز کند. این موضوع فقط شامل سیاست در عرصه تاریخی آن نمی شود، بلکه در مورد سیاست روز یا کشتار جمعی امروزی نیز صدق می کند.

جنایاتی که حامیان فعلی باندرا از سال ۲۰۱۴ مرتکب شده اند، خروجی همان ایدئولوژی فاشیستی سابق است. رسانه های مدنی المان به مدت هشت سال در مورد تجاوزات این باندها و جنگی که تحت عنوان «عملیات ضد تروریستی» علیه اوکراینی های روسی زبان به راه انداختند، سکوت کردند.

برای مصرف کنندگان متوسط رسانه های المانی، به خصوص اگر با روسوفوبیا در جمهوری فدرال المان (المان غربی) قبل از یکی شدن دو کشور - مترجم) قدیم معاشرت داشته باشند، اصلاً هرگز چنین وقایعی در کار نبوده، فقط این روسیه بوده که دست به تجاوز زده است.

روزنامه نگار المانی اولریش هایدن که همچنان از دونباس گزارش می داد و به همین دلیل تقریباً همه طرف های قراردادهای رسانه ئی خود را از دست داد، مجموعه ای از متن های خود را در بهار امسال با عنوان «طولانی ترین جنگ در اروپا» منتشر کرد.

صفت به کار برده شده درست است، سکوت رسانه ئی در این کشور در این هشت سال گذشته پیش زمینه همان کاری بود که شرکت ها و رسانه های حکومتی المان از تاریخ ۲۴ فبروری دائم مشغول بازتولید آن هستند.

اصل اساسی این است که هیچ جنایت جنگی توسط ارتش اوکراین وجود خارجی ندارد. اگر حتی متحدان غربی نیز به دلیل گلوله باران یک نیروگاه هسته ئی از سوی توپخانه اوکراینی ها دچار ناآرامی شوند، فرمان سکوت در این مورد لازم الاجراء می شود.

در بهترین حالت در رسانه های المانی «گزارش» می شود: روس ها در آنجا به سمت خودشان شلیک می کنند. چنین تبلیغاتی انقدر که با فاشیسم المانی تشابهاتی دارد کمتر به جنگ سرد مربوط است.

حمله روسیه پرده دودی برای ایجاد یک تغییر اساسی در نگرش نسبت به جنایات فاشیستی و عوامل آن آنها در روبنای ایدئولوژیک ایجاد کرد:

نتیجه این که اسطوره نازی بی آزار است طوری که صدراعظم مملکت هم به خود اجازه می دهد که با سلام آنها درود بفرستد.

راهپیمائی های تحت کنترل دولت توسط همکاران و افراد سابق اس اس در جمهوری های بالتیک اینجا و آنجا مورد انتقاد قرار می گرفت، ولی درباره اوکراین دیگر دروازه کاملاً گشوده شده است.

تقریباً ۷۰ سال پیش حتی در المان چنین چیزی غیرقابل تصور بود.

در آن زمان تعداد زیادی کهنه سرباز گردانهای فاشیستی اوکراین OUN به خصوص در مونیخ وجود داشتند. در تنها بیوگرافی علمی باندرا توسط مؤرخ گرزگورز روسولینسکی-لیبه، که در دانشگاه آزاد برلین کار می کند - در سال ۲۰۱۵ توسط یک ناشر اشتوتگارتی به زبان انگلیسی منتشر شد و به المانی ترجمه نشده است - نویسنده وضعیت آنها را به شرح زیر توصیف می کند:

«به دلیل ماهیت افراطی OUN و دخالت آن در هولوکاست و سایر انواع خشونت های قومی و سیاسی توده ئی در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن، مهاجران OUN و کهنه سربازان UPA شروع به جعل یا دستکاری اسناد به منظور محافظت از خود کردند. تا تاریخ خود را سفید کنند.»

به عنوان مثال، در سال ۱۹۵۵، قطعنامه های به اصطلاح دومین کنگره بزرگ OUN در کراکوف در اپریل ۱۹۴۱ یعنی تحت نظارت فاشیست های المانی، در نسخه جدیدی از اسناد تحت عنوان «OUN در پرتو قطعنامه های کنگره های بزرگ منتشر کردند»

گرژگورز روسولینسکی-لیبه، می افزاید که طبق قطعنامه اصلی، OUN «سلام فاشیستی را اتخاذ کرد که شامل بالا بردن بازوی راست، کمی به سمت راست، کمی بالاتر از فرق سر» و در عین حال به زبان آوردن «Slava Ukraini!» و آنها جواب می دهند – «Heroiam Slava» یعنی شکوه بر قهرمانان! اما در نسخه ۱۹۵۵ دستکاری شده، این بخش خاص از متن حذف شد.

ویراستاران مجموعه های اسناد امروزی دیگر مجبور نیستند چنین دغدغه خاطری هم داشته باشند – مسلماً صدراعظم فدرال که قطعاً دودلی در این مورد به خود راه نمی دهد.

نقطه عطف در مسیر رسانه های المانی تا این مرحله، جنگ تجاوزکارانه ناتو در یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ و در افغانستان از سال ۲۰۰۱ بود.

ورنر پیرکر، نویسنده یونگه ولت آن را در سال ۲۰۰۲ به شرح زیر توصیف کرد:

«پوشش رسانه ئی جنگ ناتو در یوگسلاوی، بدترین نوع روزنامه نگاری این ارادل و اوباش بود.»

انگار دنیای بزرگسالان به سطح مهدکودک برگشته بود و با دقت به افسانه هائی که جیمی شی (سخنگوی ناتو در آن زمان) یا عمو رودولف (وزیر دفاع حزب سوسیال دمکرات المان رودلف شارپینگ) گوش می داند و سراپاگوش شده بودند.

اوضاع در افغانستان متفاوت بود: «در مقایسه با آن زمان، محصولات نظر سازان به طرز عجیبی از رنگ پریدگی اندیشه در مواجهه با «جنگ علیه تروریسم» عذاب می کشید و بیمار بود.»

علت: «زیرا این جنگ بی سابقه که در افغانستان آغاز شده بود، می توانست به یک جنگ داخلی بین المللی تبدیل شود.» «به جنگ ثروتمندان علیه فقراء که در آن فقیر و غنی یا با هم از بین می روند و یا ثروتمندان دیر یا زود بازنده خواهند شد.»

این جنگ هنوز ادامه دارد و خطرناک ترین جبهه آن در حال حاضر در اوکراین است.

رسانه های اصلی المان برای نبردی سرنوشت ساز در آنجا بسیج شدند.

«Slava Ukraini!» نماد مناسبی برای برنامه بلندمدتی است که با قوی ترین تشدید مسابقه تسلیحاتی در تاریخ المان

همراه شده است.